Salamat Ijtimai (Community Health) ISSN 2423-4702; Vol.7 No.1; 2020
http://journals.sbmu.ac.ir/ch

Original Article

The Effectiveness of Group Reality Therapy on the Psychological Capital and Responsibility among Children of Divorce

Abbas Sadeghian[1], Mohammad-Kazem Fakhri[2]*, Ramezan Hasanzadeh[3]

1. Ph.D. Candidate, Department of Psychology, Sari branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Psychology, Sari branch, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Sari, Iran.
3. Professor, Department of Psychology, Sari branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

***Corresponding Author:** Mohammad-Kazem Fakhri, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Sari branch, Sari, Iran.

Email: fakhri@Iausari.ac.ir

Received: 13 November 2018 **Accepted:** 26 Decemmber 2018 **Published:** 26 October 2019

How to cite this article:
Sadeghian A, Fakhri M.K, Hasanzadeh R. The Effectiveness of Group Reality Therapy on the Psychological Capital and Responsibility among Children of Divorce. Salamat Ijtimai (Community Health). 2020; 7(1): 28-37.
DOI: http://doi.org/10.22037/ch.v7i1.23704.

Abstract

Background and Objective: The growth of divorce in recent years has increased the number of children of divorce and the problems and issues arising from divorce in this sensitive period of development can be strongly influenced by psychological and accountability capital. The purpose of this study was to investigate the effectiveness of group reality therapy on the psychological capital and responsibility among adolescents who were under maternal custody.

Materials and Methods: This study was of semi-experimental design with a pre-test/post-test design and a control group. The statistical population of this study included all adolescents who were under maternal custody and were studying in high schools of the city of Sari in the academic year of 2017-2018. A sample of 60 students were selected through multistage cluster sampling and randomly assigned to two experimental and control groups, each group including 30 participants. The experimental group participated in eight sessions of group reality therapy, while the control group did not receive any training. In order to measure the dependent variables, Luthanese psychological capital questionnaire and Nemati's Responsibility questionnaire were used. Multivariate analysis of covariance analysis was used to analyze the data in SPSS software version 22.

Results: The mean (SD) age of the participants in the experimental group was 16.8 (5.6) and the control group 17.2 (6.1). The mean (SD) of psychological capital score in the experimental groups was 24.6 (4.3), which increased to 29.9 (3.2) in the post-test ($P<0.01$); however, the mean (SD) of psychological capital score in the control group was 25 (3.7) in the pre-test and varied to 24.2 (2.8) in the post-test, which was not statistically significant ($P>0.05$). The mean (SD) responsibility score of the experimental group was 83.4 (19.9), which increased to 98.9 (21.2) in the post-test ($P<0.01$); however, the mean (SD) responsibility score of the control group was 84.5 (20) in the pre-test and varied to 84.8 (19.3) in the post-test, which was not statistically significant. The optimism component of the variable of the psychological capital, and the component of the law of the variable of responsibility had the greatest impact from the reality of therapy.

Conclusion: The findings of this study showed that the training of group reality therapy leads to improvement of psychological capital and accountability among children of divorce.

Keywords: Reality therapy; Psychological capital; Responsibility; Divorce.

Conflict of Interest: None of the authors has any conflict of interest to disclose.
Ethical publication statement: We confirm that we have read the Journal's position on issues involved in ethical publication and affirm that this report is consistent with those guidelines.
Ethical code: IR.IAUSARI.REC.1396.41564.
This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

مقاله اصیل | **سلامت اجتماعی**، دوره هفتم، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۸، صفحات ۲۸ تا ۳۷ http://journals.sbmu.ac.ir/ch

اثر بخشی واقعیت درمانی گروهی برسرمایه روان شناختی و مسئولیت پذیری نوجوانان طلاق

عباس صادقیان[۱]، محمد کاظم فخری[۲*]، رمضان حسن زاده[۳]

۱. دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.
۲. استادیار، گروه روانشناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.
۳. استاد، گروه روانشناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

*** نویسنده مسئول:** محمد کاظم فخری، گروه روانشناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.
Email: fakhri@Iausari.ac.ir

تاریخ دریافت: آبان ۱۳۹۷ تاریخ پذیرش: آذر ۱۳۹۷

چکیده

زمینه و هدف: رشد طلاق در سال‌های اخیر جمعیت نوجوانان طلاق را افزایش داده و مشکلات و مسائل حاصل از طلاق در این دوره حساس رشدی می‌تواند به شدت بر سرمایه روان‌شناختی و مسئولیت‌پذیری تأثیرگذار باشد. هدف پژوهش حاضر تعیین اثربخشی واقعیت درمانی گروهی بر سرمایه روان‌شناختی و مسئولیت‌پذیری نوجوانان طلاق تحت حضانت مادر بود.

روش و مواد: این پژوهش از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه نوجوانان طلاق تحت حضانت مادر و مشغول به تحصیل در مدارس متوسطه دوم شهر ساری در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بودند که نمونه‌ای به تعداد ۶۰ نفر از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه گمارده شدند. گروه آزمایش در هشت جلسه واقعیت درمانی گروهی شرکت نمودند در حالی که گروه گواه، آموزشی در آن دوره دریافت نکردند. به منظور سنجش متغیرهای وابسته از پرسشنامه‌های سرمایه روان‌شناختی و مسئولیت-پذیری استفاده گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیری و نرم افزار SPSS-22 استفاده شد.

یافته ها: میانگین (انحراف معیار) سن شرکت‌کنندگان گروه آزمایش (۵/۶) ۱۶/۸ و گروه گواه، (۶/۱) ۱۷/۲ سال بود. میانگین (انحراف معیار) سرمایه‌روان‌شناختی گروه آزمایش در پیش‌آزمون (۴/۳) ۲۴/۶ بود که در پس‌آزمون به (۳/۲) ۲۹/۹ افزایش یافت ($P<۰/۰۱$) اما میانگین (انحراف معیار) گروه گواه در پیش آزمون (۳/۷) ۲۵ بود که در پس‌آزمون به (۲/۸) ۲۴/۲ رسید که از نظر آماری معنادار نبود. همچنین میانگین (انحراف معیار) مسئولیت‌پذیری گروه آزمایش در پیش‌آزمون (۱۹/۹) ۸۳/۴ بود که در پس‌آزمون به (۲۱/۲) ۹۸/۹ افزایش یافت ($P<۰/۰۱$) اما میانگین (انحراف معیار) گروه گواه در پیش آزمون (۲۰) ۸۴/۵ بود که در پس‌آزمون به (۱۹/۳) ۸۴/۸ رسید که از نظر آماری معنادار نبود. مؤلفه خوش‌بینی از متغیر سرمایه روان‌شناختی، و مؤلفه قانون‌مندی از متغیر مسئولیت‌پذیری، بیشترین تأثیر را از واقعیت درمانی داشته‌اند.

نتیجه گیری: مطالعه نشان داد که آموزش واقعیت درمانی گروهی منجر به بهبود سرمایه روان‌شناختی و افزایش مسئولیت پذیری در نوجوانان طلاق شد.

واژگان کلیدی: واقعیت درمانی، سرمایه روان‌شناختی، مسئولیت‌پذیری، طلاق.

مقدمه

طلاق عامل از هم گسیختگی ساختار بنیادی ترین بخش جامعه، یعنی خانواده و یکی از فقدان های عمده زندگی خانوادگی است (۱). مطالعات مختلف نشان می دهند که روند افزایش طلاق در نیم قرن اخیر یک روند جهانی است و معلول تغییرات اقتصادی، جمعیتی، حقوقی، ارزشی و فرهنگی است (۲). در این راستا، جامعهٔ ایران نیز از آن مصون نمانده و امروزه شاخص آمار طلاق بسیار قابل توجه است، به طوری که این آمار در شش ماههٔ نخست سال ۱۳۹۴ برابر با ۷۹ هزار و ۸۰۶ واقعه طلاق اعلام شده است (۳). تجربه طلاق به منزله تهدیدی بر ای نیازهای اساسی به شمار می رود، که منجر به کاهش عملکرد، ناکارآمدی و مسئولیت پذیری پایین اعضای خانواده به خصوص فرزندان نوجوان که آسیب پذیرترند، می گردد (۴). کودکان و نوجوانان خانواده های طلاق در زندگی خود احساس نا امیدی کرده و خود را در حیطه های مختلف زندگی ناتوان می بینند و نسبت به آینده خوش بین نیستند (۵). نتایج پژوهشی نشان داد که نوجوانان خانواده های طلاق نسبت به خانواده های سالم، تاب آوری، سلامت روان و عملکرد تحصیلی پایین تری دارند (۶). همچنین آنها دارای افکار منفی و تشخیص نادرست در نقاط قوت خود هستند، دچار ترس در پذیرفتن مسئولیت و انتخاب های خود می باشند (۷).

با توجه به مشکلات و پیامدهای حاصل از طلاق بر روی نوجوانان، لزوم توانمند سازی این فرزندان با رویداد طلاق ضرورتی انکار ناپذیر به نظر می رسد. از جمله توانمندی‌های مهم در دوره نوجوانی، مجموعه‌ای از توانمندی‌های روان‌شناختی است که تحت عنوان سرمایه روان شناختی و مسئولیت پذیری شناخته می شوند. سرمایه روان شناختی یکی ازشاخص های روان شناختی مثبت گرایی می باشد که با ویژگی هایی از قبیل خودکارآمدی (داشتن اطمینان به توانایی خود و انجام تلاش لازم و ضروری برای موفقیت در تکالیف چالش انگیز)، خوشبینی (اسناد مثبت نسبت به موفقیت در حال و آینده)، امید (داشتن پشتکار در دنبال کردن) و تاب آوری (به معنای تحمل کردن مشکلات) هستند و این چهار منبع در یک نظام به هم پیوسته به تقویت یکدیگر و شکل دهی سپری مقاوم در برابر فشارزاها عمل می کنند (۸). نتایج یک پژوهش نشان داد بین سرمایه روان شناختی و مؤلفه های آن با مسئولیت پذیری نوجوانان رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد و نوجوانانی که دارای خوش بینی، امیدواری و تاب آوری بالایی هستند بهتر می توانند با مشکلات زندگی رو به رو شوند و تعاملات اجتماعی و مسئولیت پذیری مداوم و بیشتری دارند و از زندگی بهتری برخوردارند (۹).

مسئولیت پذیری به عنوان یکی دیگر از متغیرهای اثرگذار در عبور از چالش های های زندگی نظیر طلاق والدین، نقش بسیار برجسته‌ای در نوجوانان دارد. مسئولیت پذیری از مفاهیم مهم در حوزه روان شناسی تربیتی است که در سال های اخیر توجه زیادی را به خود جلب کرده است (۱۰). Glasser (۱۱) مسئولیت پذیری را به معنای توانایی فرد در برآورده کردن نیاز خود می داند، البته به شیوه ای که مانع بر آورده شدن نیاز های دیگران نشود. از طرفی مسئولیت پذیری را با سلامت روانی ارتباط می دهد و می گوید افراد هر قدر بیشتر مسئولیت پذیر باشند از لحاظ سلامت روانی سالم تر هستند و بالعکس. می توان از مسئولیت پذیری به عنوان یک جنبه مهم از شکل گیری هویت نام برد و از آن در توانمندسازی انسان ها استفاده کرد (۱۲).

در این راستا ایجاد مداخلاتی که باعث افزایش سرمایه روان شناختی و مسئولیت پذیری در نوجوانان طلاق شود، می تواند نقش مهمی در زندگی آنها ایفا کند. از جمله مداخلاتی که می تواند در این زمینه مفید باشد، واقعیت درمانی است. واقعیت درمانی بر این اصل استوار است که ما خود رفتارهایمان را انتخاب می کنیم و مسئول زندگی خود و آنچه عمل، احساس و فکر می کنیم هستیم. در این رویکرد به افراد کمک می شود تا رفتار خویش را کنترل و در زندگی شان دست به انتخاب های بهتر و مؤثرتر بزنند (۱۳). در این شیوه درمان مواجه شدن با واقعیت، قبول مسئولیت، شناخت نیازهای اساسی، قضاوت اخلاقی‌درباره درست بودن و یا نادرست بودن رفتار، تمرکز بر اینجا و اکنون، کنترل درونی و در نتیجه نیل بـه هویت توفیق مورد تاکید است (۱۴). در این نظریه آنچه که بیش از هر چیز مورد تأکید است آزادی و مسئولیت می باشد. در این رویکرد رفتار نوعی انتخاب است که توسط فرد صورت می گیرد و هر فردی در برابر انتخاب هایش مسئول می باشد (۱۵).

با توجه به پیشینه پژوهش و افزایش جمعیت نوجوانان طلاق به نظر می رسد آنها علاوه بر درگیری با مشکلات خاص این دروه حساس رشدی با مشکلات و مسائل ناشی از طلاق نیز مواجه اند که می تواند به منزله تهدیدی برای نیازهای شان به شمار رود و منجر به کاهش مسئولیت پذیری و دیگر توانمندی های روان شناختی این قشر که آسیب پذیرترند، گردد. لذا این نوجوانان باید تحت توجه و حمایت های لازم قرار گیرند که یکی از این درمان ها و حمایت ها، آموزش واقعیت درمانی به نوجوانان طلاق است که در این زمینه تحقیقات کمتری صورت گرفته است و از این رو انجام مطالعات بیشتر ضروری به نظر می رسد. بنابراین هدف پژوهش حاضر، تعیین اثر بخشی واقعیت درمانی گروهی برسرمایه روان شناختی و مسئولیت پذیری نوجوانان طلاق بود.

روش و مواد

پژوهش حاضر از نوع کاربردی با روش نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون – پس آزمون با گروه شاهد بود. جامعهٔ آماری این پژوهش شامل کلیه نوجوانان طلاق تحت حضانت مادر و مشغول به تحصیل در مدارس متوسطه دوم شهر ساری در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ شهر ساری بودند. به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای چهار مدرسه از مناطق آموزش و پرورش شهر ساری برگزیده شد و سپس از میان نوجوانان طلاق تحت حضانت مادر، ۶۰ نفر از کسانی که در پرسشنامه های سرمایه روان‌شناختی و مسئولیت‌پذیری نمرات کمتری کسب کرده بودند و از شرایط ورود به مطالعه برخوردار بودند، انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و گروه شاهد (هر گروه ۳۰ نفر) جایگزین شدند. تعداد نمونه پژوهش بر اساس اندازه اثر ۰/۲۵، آلفای ۰/۰۵ و توان ۰/۸۰ در دو گروه، برای هر گروه تعداد ۳۰ نفر به دست آمد. ملاک‌های ورود نمونه به پژوهش عبارتند از: ۱- پسر بودن۲- بعد از طلاق تحت حضانت مادر بودن، ۳-اعلام رضایت نوجوان و مادر آنها برای شرکت در پژوهش، ۴- دامنه سنی در حال حاضر بین ۱۸ – ۱۵ سال باشد و ۵- نداشتن مشکل روان شناختی و رفتاری. از جمله ملاک‌های خروج عدم تمایل به ادامه درمان، عدم مشارکت و همکاری در فرآیند اجرای درمان و غیبت بیش از دو جلسه در جلسات درمان بود. این اطمینان به آزمودنی ها داده شد که تمام اطلاعات محرمانه هستند و برای امور پژوهشی مورد استفاده قرار خواهند گرفت. به منظور رعایت حریم خصوصی، نام و نام خانوادگی شرکت کنندگان ثبت نشد و برای اطمینان از روند کار، کلیه پرسشنامه ها توسط خود پژوهشگر اجرا شد. جهت گردآوری داده ها از ابزارهای زیر استفاده شد:

پرسشنامه سرمایه روانشناختی (PCQ): برای سنجش سرمایه روان شناختی از پرسشنامه سرمایه روان شناختی ۲۴ سوالی استفاده شد که Luthans & Avolio در سال ۲۰۰۷ با چهار خرده مقیاس خودکارآمدی، امیدواری، تاب آوری و خوش‌بینی و طیف لیکرت شش درجه‌ای (کاملا مخالفم=۱ تا کاملا موافقم=۶) معرفی کرده اند. برای بدست آوردن نمره سرمایه روان شناختی ابتدا نمره هر خرده مقیاس به صورت جداگانه بدست آمد و سپس مجموع آنها به عنوان نمره کل سرمایه روانشناختی محسوب شد (۱۶). در پژوهشی، ضریب پایایی این پرسشنامه را به ۰/۸۵ گزارش کردند (۱۷). در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ محاسبه که مقدار آن ۰/۸۷ به دست آمد.

پرسشنامه مسئولیت پذیری: در ایـن پژوهش برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه مسئولیت پذیری که توسط قلی‌پور و همکاران در سال ۱۳۸۸ ساخته شد، استفاده شد. این پرسشنامه ۵۰ سؤالی با مقیاس لیکرت در یک طیف پنج گزینه‌ای (کاملا موافقم، موافقم، بی نظرم، مخالفم و کاملا مخالفم) درجه بندی شده است. نمره‌گذاری از روش ۱ تا ۵ پیروی می‌کند. در سؤالاتی که مستقیم نمره‌گذاری می‌شوند اگر آزمودنی گزینه کاملا مخالف را انتخاب کند، نمره ۱، و اگر گزینه مخالف را انتخاب کند، نمره ۲، اگر گزینه بی‌نظر را انتخاب کند، نمره ۳، و اگر گزینه موافق را انتخاب کند، نمره ۴، و اگر گزینه‌کاملاً موافق را انتخاب کند، نمره ۵ می‌گیرد (۱۸). در محاسبه پایایی از روش همسانی درونی ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۹۱ به دست آمد. در پژوهشی محسنی (۱۹)، برای سنجش پایایی پرسشنامه حاضر، از دو روش باز آزمایی و روش آلفای کرونباخ جهت همسانی درونی استفاده شده است. پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۲ محاسبه شد که نشان‌دهنده پایایی مناسب آن است. در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ بدست آمد.

جدول شماره ۱- شرح مختصر جلسات واقعیت درمانی

جلسه	خلاصه محتوای جلسات
اول	آشنایی اعضای گروه و مشاور با یکدیگر و ایجاد رابطه عاطفی میان اعضا و مشاور، بیان قوانین و مقررات تشریح چگونگی انجام کار و اهداف مرتبط
دوم	کمک به اعضا در جهت آشنایی بیشتر با خود و نیازهای اساسی، معرفی چرایی و چگونگی صدور رفتار از سوی افراد، شناسایی نقاط قوت و منفی خود و تلاش برای کسب هویت موفق
سوم	بررسی اهداف افراد در زندگی و تعیین میزان هدفمند بودن آنها، معرفی رفتار کلی
چهارم	بررسی نگرش و تعریف اعضا از مؤلفه های سرمایه روان شناختی
پنجم	ارتقای تفکر مسئولیت پذیری در افراد روابط و آموزش زندگی کردن در زمان حال
ششم	بررسی روابط اعضای گروه با دوستان و اعضای خانواده برای برقراری رابطه مؤثر و مثبت با دیگران
هفتم	بررسی تلاش های اعضا برای رسیدن به رشد فکری و پذیرش خود، بررسی و تاکید مجدد برای قبول مسئولیت کارها، لزوم طرح و برنامه ریزی جهت انجام بهتر کارها
هشتم	بررسی روند رشدی فرد در جلسات گروهی وجمع بندی از اتمام جلسات و مطالب طرح شده

بعد از انتخاب نمونه پژوهش و پس از معرفی و توضیح نحوه اجرای برنامه، افراد گروه نمونه به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه گمارده شدند. پیش آزمون برای هر دو گروه اجرا و گروه آزمایش در هشت جلسه ۹۰ دقیقه ای تحت آموزش واقعیت درمانی قرار گرفتند در حالی که گروه گواه در این جلسات شرکت نداشتند. در پایان دو گروه مجددا در پس آزمون شرکت و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS-22 به منظور محاسبه شاخص‌های توصیفی و نیز تحلیل کواریانس چند متغیری پردازش شدند.

یافته ها

میانگین (انحراف معیار) سن شرکت‌کنندگان گروه آزمایش (۵/۶) ۱۶/۸ و گروه شاهد، (۶/۱) ۱۷/۲ سال بود.

جدول شماره۲- اطلاعات توصیفی مربوط به متغیرهای سرمایه روان شناختی و مسئولیت‌پذیری در پیش آزمون و پس آزمون

		گروه آزمایش		گروه شاهد	
	متغیر	پیش‌آزمون (انحراف معیار) میانگین	پس‌آزمون (انحراف معیار) میانگین	پیش‌آزمون (انحراف معیار) میانگین	پس‌آزمون (انحراف معیار) میانگین
سرمایه روانشناختی	سرمایه روان شناختی	۲۴/۶ (۴/۳)	۲۹/۹ (۳/۲)	۲۵ (۳/۷)	۲۴/۲ (۲/۸)
	خودکارآمدی	۲۰/۸ (۶/۶)	۲۸/۲ (۵/۲)	۲۱/۷ (۵/۱)	۲۱/۱ (۵/۶)
	امیدواری	۲۲/۶ (۲/۴)	۲۸/۹(۱/۸)	۲۱/۵ (۳/۴)	۲۱/۲ (۳/۱)
	تاب‌آوری	۲۲/۱ (۳/۱)	۲۸/۴ (۳/۱)	۲۰/۸ (۳/۵)	۲۰/۴ (۳/۳)
	خوش‌بینی	۲۲/۷ (۳/۸)	۲۹/۸ (۵/۵)	۲۲/۵ (۳/۴)	۲۳/۱ (۳/۶)
مسئولیت پذیری	خود مدیریتی	۳۱/۳ (۴/۴)	۳۴ (۴/۲)	۳۱/۸ (۴/۹)	۳۱ (۳/۹)
	نظم‌پذیری	۲۷/۵ (۲/۳)	۳۰/۱ (۲/۱)	۲۷/۶ (۳/۲)	۲۷/۸ (۲/۱)
	قانونمندی	۳۳/۲ (۶/۳)	۳۶/۲ (۶/۱)	۲۷/۸ (۸/۴)	۲۷/۵ (۸/۱)
	امانت داری	۱۲/۷ (۲/۴)	۱۶/۴ (۲/۲)	۱۳/۱ (۳/۵)	۱۲/۵ (۳/۲)
	وظیفه شناسی	۹/۵ (۲/۲)	۱۲/۴ (۲/۳)	۹/۴ (۳/۷)	۹/۸ (۲/۸)
	سازمان یافتگی	۱۶/۴ (۲/۳)	۱۸/۸ (۱/۹)	۱۵/۲ (۳/۶)	۱۵/۴ (۳/۲)
	پیشرفت گرایی	۱۳/۶ (۲/۵)	۱۵/۸ (۲/۱)	۱۳/۸ (۲/۵)	۱۳/۳ (۱/۹)
	مسئولیت‌پذیری	۸۳/۴ (۱۹/۹)	۹۸/۹ (۲۱/۲)	۸۴/۵ (۲۰)	۸۴/۸ (۱۹/۳)

همان طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود میانگین پیش آزمون در گروه آزمایش و کنترل در متغیرهای سرمایه روان‌شناختی و مسئولیت پذیری و مؤلفه‌های آنها در سطح پایینی است اما تفاوت گروه آزمایش در پس آزمون نسبت به گروه کنترل قابل ملاحظه است. برای تحلیل داده ها و به منظور کنترل اثر پیش آزمون از روش تحلیل کواریانس چندمتغیری استفاده شد. جهت انجام این آزمون ابتدا پیش فرض‌های آن شامل همگنی واریانس‌ها و نرمالیته داده‌ها مورد بررسی قرار گرفت که شرایط آزمون تحلیل کوواریانس تائید شد. مفروضه مهم دیگر تحلیل کواریانس چندمتغیری، همگونی ضرایب رگرسیون است. لازم به ذکر است که آزمون همگونی ضرایب رگرسیون از طریق تعامل پیش آزمون متغیرهای سرمایه روان‌شناختی و مسئولیت پذیری و مؤلفه‌های آنها و متغیر مستقل (واقعیت درمانی) در مرحله پس آزمون مورد بررسی قرار گرفت. تعامل این پیش آزمون‌ها با متغیر مستقل معنادار نبوده و حاکی از همگونی ضرایب رگرسیون می‌باشد. در واقع نتایج نشان داد که تعامل گروه و پیش آزمون در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار نمی‌باشد؛ لذا داده ها از فرضیه همگنی شیب‌های رگرسیون پشتیبانی می‌کنند و این فرضیه پذیرفته می شود. با توجه به برقراری مفروضه های تحلیل کوواریانس چندمتغیری، استفاده از این آزمون مجاز خواهد بود.

جدول شماره ۳- نتایج آزمون چند متغیری لامبدای ویلکز برای مقایسه گروه‌ها در متغیرهای پژوهش

متغیر	مقدار	F	df فرضیه	df خطا	سطح معناداری	مجذور اتا
سرمایه روان‌شناختی	۰/۶۱۲	۳/۳۲۳	۴	۲۱	۰/۰۲۹	۰/۳۸۸
مسئولیت پذیری	۰/۰۲۱	۹۸/۶۸۰	۷	۱۵	۰/۰۰۰	۰/۹۷۹

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که در یکی از حیطه ها بین گروه آزمایش و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد؛ اما برای تشخیص اینکه در کدام حیطه ها تفاوت معنادار است، از آزمون تحلیل کواریانس چندمتغیری در متن مانکووا استفاده شد که نتایج در جدول شماره ۴ آمده است.

جدول شماره ۴- تحلیل کوواریانس چند متغیری نمرات سرمایه روان شناختی و مسئولیت پذیری در دو گروه

متغیر	میانگین مجذورات	درجه آزادی	F	سطح معناداری	مجذور اتا
خودکارآمدی	۸۴/۹۴۳	۱	۱۸/۲۳۶	۰/۰۰۱	۰/۴۳۲
امیدواری	۲۱۰/۳۴۳	۱	۱۴/۹۷۹	۰/۰۰۱	۰/۳۸۴
تاب‌آوری	۱۰۶/۴۸۱	۱	۵۰/۸۴۹	۰/۰۰۱	۰/۶۷۹
خوش‌بینی	۱۵۵/۳۳۱	۱	۷۵/۷۷۶	۰/۰۰۱	۰/۷۵۹
خودمدیریتی	۲۴۴/۲۰۸	۱	۸۷/۰۸۸	۰/۰۰۱	۰/۸۰۶
نظم‌پذیری	۵۸/۵۵۹	۱	۱۹/۷۵۷	۰/۰۰۱	۰/۴۸۵
قانون‌مندی	۸۳۳/۴۵۵	۱	۷۰۷/۰۷۳	۰/۰۰۱	۰/۹۷۱
امانت‌داری	۳۹/۰۶۳	۱	۷/۵۵۷	۰/۰۱۲	۰/۲۶۵
وظیفه شناسی	۳۷/۳۰۲	۱	۱۵/۵۱۶	۰/۰۰۱	۰/۴۲۵
سازمان‌یافتگی	۷۹/۱۳۲	۱	۳۷/۴۲۶	۰/۰۰۱	۰/۶۴۱
پیشرفت‌گرایی	۲۵/۳۲۲	۱	۱۴/۶۸۴	۰/۰۰۱	۰/۴۱۱

از نظر میزان تأثیر واقعیت درمانی بر متغیر سرمایه‌روان‌شناختی، به ترتیب مؤلفه‌های خوش‌بینی، تاب‌آوری، خودکارآمدی و امیدواری با اندازه‌های اثر ۰/۷۶، ۰/۶۸، ۰/۴۳ و ۰/۳۸ بیشترین تأثیر را از واقعیت درمانی داشته‌اند. از نظر میزان تأثیر واقعیت درمانی بر متغیر مسئولیت‌پذیری، به ترتیب مؤلفه‌های قانونمندی، خودمدیریتی، سازمان یافتگی، نظم‌پذیری، وظیفه‌شناسی، پیشرفت‌گرایی و امانت‌داری با اندازه‌های اثر ۰/۹۷، ۰/۸۰، ۰/۶۴، ۰/۴۸، ۰/۴۲، ۰/۴۱ و ۰/۲۶ بیشترین تأثیر را از واقعیت درمانی داشته‌اند.

بحث

مطالعه نشان داد میانگین (انحراف معیار) سرمایه روان شناختی گروه آزمایش در پیش آزمون (۴/۳) ۲۴/۶ بود که در پس آزمون به (۳/۲) ۲۹/۹ افزایش یافت (P<۰/۰۱) اما میانگین (انحراف معیار) گروه گواه در پیش آزمون (۳/۷) ۲۵ بود که در پس آزمون به (۲/۸) ۲۴/۲ رسید که از نظر آماری معنادار نبود. همچنین میانگین (انحراف معیار) مسئولیت پذیری گروه آزمایش در پیش آزمون (۱۹/۹) ۸۳/۴ بود که در پس آزمون به (۲۱/۲) ۹۸/۹ افزایش یافت (P<۰/۰۱) اما میانگین (انحراف معیار) گروه گواه در پیش آزمون (۲۰) ۸۴/۵ بود که در پس آزمون به (۱۹/۳) ۸۴/۸ رسید که از نظر آماری معنادار نبود. مؤلفه خوش بینی از متغیر سرمایه روان شناختی، و مؤلفه قانون مندی از متغیر مسئولیت پذیری، بیشترین تأثیر را از واقعیت درمانی داشته اند.

مطالعه نشان داد آموزش واقعیت درمانی باعث ارتقای سرمایه روان شناختی و مؤلفه های آن در نوجوانان طلاق می شود. این یافته به طور کلی با نتایج پژوهش های Bari و همکاران (۲۱) مبنی بر تأثیر واقعیت درمانی بر بهبود تاب آوری زنان مطلقه و نتایج پژوهش بهادری خسروشاهی و حبیبی کلیبر (۲۲) مبنی بر تأثیر درمان واقعیت درمانی بر سرمایه روان شناختی سالمندان همسو است. در تبیین یافته های پژوهش می توان گفت که واقعیت درمانی توانسته است نوجوانان طلاق را در جهت پذیرش غیرمشروط خود، اجتناب از دلیل تراشی و بهانه آوری، سرزنش عوامل بیرونی و گذشته و پذیرش واقعیت (تغییر چیز هایی که می توان تغییر داد، مثل فکر و عمل و اقدامات خود، و پذیرش آنچه نمی توان تغییر داد، عوامل بیرون از خودشان، طلاق والدین و گذشته) تشویق کند و به آنها کمک کند تا با پرورش خوش بینی که مطابق با نظر Seligman (۲۳) آموختنی است، امید به آینده و اجتناب از مسئولیت گریزی های رایج، با گذشته ای که بر آنها رفته است به خوبی کنار بیایند و در «زمان حال» و «این جا» برای ارضای نیازهای اساسی خود دست به انتخاب های بهتر و مؤثرتر بزنند، چرا که فقط در سایه ارضای مسئولانه نیازهای اساسی است که می توانند به رضایت و خشنودی در زندگی دست یابند و از این طریق سرمایه روان شناختی آنان ارتقا می یابد (۲۴). همان طور که Wubbolding و همکاران (۲۵) معتقدند که واقعیت درمانی رویکردی است که به انسان ها کمک می کند تا مسیر منتهی به شادی درونی تر، آسودگی خاطر بیشتر و روابط انسانس دوستانه تر را کشف کنند.

از دیگر دلایل اثر بخشی واقعیت درمانی بر مؤلفه های سرمایه روانشناختی این است که واقعیت درمانی توانایی امید بخشی به افراد را دارد (۲۶). از این منظر بخشی از فرآیند ورود به دنیای مطلوب نوجوانان طلاق، کمک به آنها برای پی بردن به این نکته بود که صرف نظر از دشواری یک موقعیت مانند مشکلات و مسائل حاصل از طلاق والدین، اگر آنها امیدشان را از دست ندهند نتیجه بهتری در آینده نصیبشان خواهد شد. این امیدواری از این واقعیت ساده نشأت گرفت که آنها همواره می توانند دست به انتخاب مؤثر بزنند. بنابراین این رویکرد درمانی توانست حسی واقع گرایانه، نه کاذب از انتظار و امیدواری که یکی از مؤلفه های سرمایه روان شناختی است، را به نوجوانان طلاق منتقل کند.

افزون بر آن تجربه آموزشی حاضر توانسته است به نوجوانان طلاق کمک کند به جای کنترل بیرونی، نظریه انتخاب یا روان شناسی کنترل درونی را برگزیند و قبول کنند که تنها خود فرد می تواند برای خودش کاری انجام دهد و هیچ کس بدون اجازه او نمی تواند، چنین کاری کند. به علاوه آنها می آموزند که برای دیگران اهمیّت دارند، عقایدشان به حساب می آید و لذت فکر کردن و گوش دادن به دیگران را تجربه می کنند و از این واهمه ندارند که عقاید خود را به علت طرد شدن بیان نکنند، همین باعث می شود آنان از برآورده شدن نیازهای اساسی خویش لذت ببرند که نتیجه آن رضایت از زندگی و خشنودی و در نتیجه سلامت روان شناختی خواهد بود. چرا که طبق دیدگاه Seligman (۲۴)، ایجاد حس کنترل درونی در افراد، امید و خوش بینی نسبت به آینده، برنامه ریزی مشخص و احساس قدرت در انجام امور، مشکلات روانی را در افراد کاهش می دهد. از آنجایی که آموزش واقعیت درمانی گروهی می تواند موجب طرز تفکری مناسب شود و افراد می توانند طرز شناخت ارزیابی های غیرمنطقی و نامعقول خود را بیاموزند، طبعاً به افراد قدرت و توانایی می دهد تا با مشکلات پیش

رو مقابله ی سالم داشته باشند، بر سختی ها فائق آیند و با جریان زندگی حرکت کنند (۲۷). که این امر به نوبه خود باعث افزایش سرمایه روان شناختی در نوجوانان طلاق می شود.

یافته دیگر پژوهش نشان گر آن است که واقعیت درمانی بر افزایش مسئولیت پذیری نوجوانان طلاق مؤثر بوده است. این یافته با نتایج پژوهش شیشه فر و همکاران (۲۸) مبنی بر اثربخشی واقعیت درمانی بر شادکامی و مسئولیت پذیری مادران کودکان اتیسم همسو می باشد. در تبیین این یافته شاید بتوان گفت که مهم ترین و کاربردی ترین اصل و نتیجه واقعیت درمانی و نظریه انتخاب این است که باعث تقویت نظام کنترل درونی فردی می شود و به این ترتیب به فرد یاد می دهد و کمک می کند که به جای اینکه خودش را مقهور مسایل بیرونی بداند و علت مشکلات را در بیرون خودش جست وجو کند، با احساس کنترل خود را عامل کنترل کننده، جهت دهنده، تصمیم گیرنده و در نهایت مسئول در قبال اتفاقات و موقعیت ها بداند. در واقع، نظریه انتخاب یک نظام کنترل درونی است و چرایی و چگونگی انتخاب گزینه هایی که جهت زندگی ما را تعیین می کنند را تشریح می کند. واقعیت درمانی بر اصل «اینجا» و «اکنون» بنا شده است و بنابراین در پژوهش حاضر نیز نوجوانان طلاق دریافتند همه آنچه در زندگی انجام می دهند را خودشان انتخاب می کنند و اینکه در برابر انتخاب های خود مسئولیت دارند. آنها نیز دریافتند که مسئولیت پذیری باعث یادگیری انتخابِ رفتارهایی که نیازهای اساسی آنان را برآورده می سازد، است و اینکه این انتخاب به گونه ای باید باشد که دیگران از فرصت های ارضای نیازهایشان محروم نشوند.

در واقع در جریان واقعیت درمانی افراد می آموزند علیرغم اینکه تجربه های گذشته بر رفتار کنونی شخص مؤثر است، اما تعیین کننده رفتار کنونی فرد نیست، بلکه میزان مسئولیت پذیری و به رسمیت شناختن و احترام به واقعیت موجود و شیوه ای که برای ارضای نیازها انتخاب می شود، رفتار کنونی فرد را تعیین می کند. در نتیجه عدم احساس مسئولیت در افراد کاهش می یابد. در واقع در جلسات واقعیت درمانی بر انتخاب و رفتار مسئولانه تأکید می شود و انسان مسئول آنچه انتخاب می کند و آنچه انجام می دهد، می باشد. هدف کلی واقعیت درمانی نیز این است که به انسانها کمک کند تا نیازهای خود را مسئولانه و به نحو رضایت بخشی ارضا کنند و در ارتباط با خواسته ها و نیازهای خود، انتخاب های مؤثرتر و مسئولانه بکنند و بر این اعتقاد است که شیوه رفتاری هرکس به تصمیمات او بستگی دارد (۲۹). بنابراین با توجه به تأکیدی که در جلسات درمانی بر اهمیت پذیرش مسئولیت رفتار از سوی نوجوانان طلاق و تأکید بر انتخاب اعمال و رفتار توسط خود آنها می شد، این رویکرد توانست بر افزایش مسئولیت پذیری و رفتار مسئولانه نوجوانان طلاق، مؤثر واقع گردد.

از سوی دیگر به نظر می‌رسد ارتقای مسئولیت پذیری، در نوجوانان طلاق مورد مطالعه در این پژوهش به نوبه خود به عمل منتهی می شود. وقتی افراد مسئولیت رفتارهای خود را بپذیرند، آنگاه فرمانده اصلی زندگی خود می باشند و می توانند تفکرات و نگرش ها را تغییر دهند همچنین ادراک خود را بر رفتار و عملکردشان متمرکز کنند و مهم تر این که آنها همه جنبه های سیستم کنترل یا انتخاب، دست یافتنی بودن خواسته ها و مؤثر و کارآمد بودن اعمال و تفکرشان را ارزیابی می کنند (۲۵). واقعیت درمانی به دلیل کمک به افراد برای تعیین اهداف مهم زندگی، قبول واقعیت، ارضای نیاز های خود به صورت مؤثر و کارآمد، دست زدن به انتخاب های بهتر و کارآمدتر و یادگیری رفتارهای مسئولانه تر می تواند از بروز بسیاری از مشکلات در فرد جلوگیری کند که در نتیجه موجب افزایش سلامت روانی شود.

این پژوهش مانند هر پژوهش دیگر محدودیت هایی داشت از جمله می توان به محدود بودن نمونه پژوهش به جامعه نوجوانان طلاق اشاره کرد که در تعمیم نتایج به سایر افراد جامعه باید جانب احتیاط رعایت شود. عدم انجام پیگیری، محدودیت زمانی برای ارائه آموزش ها، تعداد جلسات کوتاه و کنترل متغیر جنسیت از محدودیت های دیگر پژوهش حاضرمی باشد. با توجه به نتایج پژوهش پیشنهاد می شود که از این برنامه درمانی در کار با نوجوانان طلاق که دچار مسئولیت گریزی و مشکلات سلامت روانی هستند، استفاده شود. همچنین پیشنهاد می شود که اثر بخشی این رویکرد با سایر رویکرد های درمانی نیز مقایسه شود. نتایج این پژوهش تلویحات مهمی در زمینه آموزش و ارتقاء بهداشت روانی در نوجوانان طلاق تحت حضانت مادر دارد.

نتیجه‌گیری

مطالعه نشان داد که آموزش واقعیت درمانی گروهی منجر به بهبود سرمایه روان شناختی و مسئولیت پذیری در نوجوانان طلاق می گردد.

تشکر و قدردانی

از تمامی شرکت کنندگان در این پژوهش کمال تشکر و قدردانی را داریم. مقاله حاضر برگرفته از پایان نامه دکتری نویسنده اول و دارای کد اخلاق IR.IAUSARI.REC.1396.41564 از کمیته اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری می باشد.

تعارض در منافع

نویسندگان اظهار می دارند هیچ گونه تعارض منافعی در مورد این مقاله وجود ندارد.

REFERENCES

1. Aghajanian A, Thompson V. Recent divorce trend in Iran. Journal of Divorce & Remarriage. 2013;54(2):112-25.
2. Janmardy M. Study of divorce in Iran provinces from 1977 to 1998: Emphasis on the role of Iran-Iraq war. International Journal of Sociology and Anthropology. 2011;3(4):132-8.
3. Barzoki MH, Tavakoll M, Burrage H. Rational-Emotional 'Divorce'in Iran. Applied Research in Quality of Life. 2015;10(1):107-22.
4. Musai M, Tavasoli G, Mehrara M. The relationship between divorce and economic-social variables in Iran. British Journal of Arts and Social Sciences. 2011;1(2):89-93.
5. Farzanegan MR, Gholipour HF. Divorce and the cost of housing: evidence from Iran. Review of Economics of the Household. 2016;14(4):1029-54.
6. Barikani A, Ebrahim SM, Navid M. The cause of divorce among men and women referred to marriage and legal office in Qazvin, Iran. Global journal of health science. 2012;4(5):184.
7. Amato PR, Anthony CJ. Estimating the effects of parental divorce and death with fixed effects models. Journal of Marriage and Family. 2014;76(2):370-86.
8. Avey JB, Reichard RJ, Luthans F, Mhatre KH. Meta analysis of the impact of positive psychological capital on employee attitudes, behaviors, and performance. Human resource development quarterly. 2011;22(2):127-52.
9. Rupp DE, Mallory DB. Corporate social responsibility: Psychological, person-centric, and progressing. Annu. Rev. Organ. Psychol. Organ. Behav. 2015;2(1):211-36.
10. O'connor SM, Klump KL, VanHuysse JL, McGue M, Iacono W. Does parental divorce moderate the heritability of body dissatisfaction? An extension of previous gene–environment interaction effects. International Journal of Eating Disorders. 2016;49(2):186-90.
11. Glasser W. My Vision for the International Journal of Choice Theory and Reality Therapy. International Journal of Choice Theory and Reality Therapy. 2010;29(2):12.
12. Hung W. Theory to reality: A few issues in implementing problem-based learning. Educational Technology Research and Development. 2011;59(4):529-52.
13. Carlsund Å, Eriksson U, Löfstedt P, Sellström E. Risk behaviour in Swedish adolescents: is shared physical custody after divorce a risk or a protective factor? The European journal of public health. 2012;23(1):3-8.
14. Haskins NH, Appling B. Relational Cultural Theory and Reality Therapy: A Culturally Responsive Integrative Framework. Journal of Counseling & Development. 2017;95(1):87-99.
15. Yao YW, Chen PR, Chiang-shan RL, Hare TA, Li S, Zhang JT, Liu L, Ma SS, Fang XY. Combined reality therapy and mindfulness meditation decrease intertemporal decisional impulsivity in young adults with Internet gaming disorder. Computers in Human Behavior. 2017;68:210-6.
16. Luthans, F., & Avolio, B. J. Positive psychological capital: Measurement and relationship with performance and satisfaction, Personnel Psychology .2007; 6, 138146
17. Paternoster R, Bachman R, Bushway S, Kerrison E, O'Connell D. Human agency and explanations of criminal desistance: Arguments for a rational choice theory. Journal of Developmental and Life-Course Criminology. 2015;1(3):209-35.
18. González L, Viitanen TK. The effect of divorce laws on divorce rates in Europe. European Economic Review. 2009;53(2):127-38.
19. Gholipour TH, Nayeri MD, Mehdi SM. Investigation of attitudes about corporate social responsibility: Business students in Iran. African Journal of Business Management. 2009;6(14):5105-13.

20. Arkes J. The temporal effects of divorces and separations on children's academic achievement and problem behavior. Journal of divorce & remarriage. 2015;56(1):25-42.
21. Bari NS, Bahrainian SA, Azargoon H, Abedi H, Aghaee F. The effectiveness of reality therapy on resiliency of divorced Women in Neyshabour City of Iran. Intl. Res. J. Appl. Basic. Sci. 2013;6(2):160-64.
22. Bahadori Khosroshahi J, Kalibar R. Effectiveness of Group Reality Therapy on Psychological Capital, Self-Worth and Social Well-being of Elderly People. Psychology of Aging. 2016; 2(3): 153-165.
23. Seligman ME. Flourish: a visionary new understanding of happiness and well-being. Policy. 2011;27(3):60-1.
24. Kim KH. The Effect of a Reality Program on the Responsibility for Elementary School Children in Korea. International Journal of Reality Therapy. 2002;22(1).
25. Wubbolding R, Robey P, Brickell J. A partial and tentative look at the future of choice theory, reality therapy and lead management. International Journal of Choice Theory and Reality Therapy. 2010;29(2):25-34.
26. Lau S, Kubiak T, Burchert S, Goering M, Oberlaender N, von Mauschwitz H, von Sass S, Selle M, Hiemisch A. Disentangling the effects of optimism and attributions on feelings of success. Personality and Individual Differences. 2014;56:78-82.
27. Garber BD. Cognitive behavioral methods in high conflict divorce: Systematic desensitization adapted to parent–child reunification interventions. Family Court Review. 2015;53(1):96-112.
28. Shishehfar S, Kazemi F, Pezeshk Sh. The effectiveness of reality therapy training to increase happiness and responsibility in the mothers of children with Autism disorder. Quarterly of Psychology of Exceptional Individuals. 2017; 7(27): 53-77.
29. Lenzi M, Vieno A, Santinello M, Nation M, Voight A. The role played by the family in shaping early and middle adolescent civic responsibility. The Journal of Early Adolescence. 2014;34(2):251-78.